

## مخاطرات زیانبار یک کودتای مردمی

ترجمه نوشته‌ای از «نیویورک تایمز» هفتم جولای در ارتباط با تحولات اخیر مصر\*

ارتش مصر ادعا می‌کند که چاره‌ای جز ساقط کردن اولین رئیس جمهور قانونی منتخب مردم پس از انقلاب، محمد مرسی، را نداشته است و این که کودتای ارتشی هفته قبل به درخواست مردم مصر انجام شده است. درست است که اکثریت مردم مصر از حکومت ضعیف مرسی ناراضی بودند و اینک از سقوط او شادمامی می‌کنند، اما چنین شیوه‌ای برای آینده مصر و دموکراسی در منطقه اصلاً خوش یمن نیست و ارتش، درست پا در جای پای جمال عبدالناصر، حافظ اسد، صدام حسین و آیت الله خمینی در ایران گذاشته است که در یک عمل اشتراک داشتند؛ همه آنها به طرفداران خیابانی خود به عنوان خاستگاه قانونی و تداوم حکومت فردی‌شان به نام «اراده مردم» تکیه کردند.

در واقع ارتش مصر از سنت دیرینه استبداد خاورمیانه که همواره افسران ارتش درباره نیازهای مملکت تصمیم می‌گیرند و بر این باورند که گویا همیشه بهتر از همه می‌فهمند عمل کرده است.

به طور سنتی دو نهاد در مصر همیشه خود را فوق جوابگوئی می‌پندارند: ارتش و دستگاه قضائی که هر دو از پاسخگوئی به نهادهای مردمی امتناع کرده‌اند. هر دوی آنها عمیقاً از رژیم مخلوع حسنی مبارک ریشه گرفته‌اند، هر دو بی‌هیچ چون و چرا سکولار، طرفدار استبداد و فاسد هستند.

ارتش، اینک ایالات متحده و دنیا را مطمئن می‌سازد که پس از این کودتا دیگر به صحنه سیاست باز نخواهد گشت و در این شرایط مردم را به همبستگی و فراموش کردن تفاوت‌ها و عدم خون‌خواهی از یکدیگر فرا می‌خواند، هرچند در حین چنین سخن سرائی‌های مغرورانه، اساسی‌ترین پایه‌های قانونی را به سخریه می‌گیرد؛ اعضای اخوان المسلمین و کابینه مرسی را به خاطر فتنه‌جوئی و حمایت از خشونت دستگیر نموده، اما به راحتی از دستگیری کسانی که دفاتر اخوان المسلمین را به آتش کشیده و طرفداران مرسی را کشته‌اند، از خود سلب مسئولیت کرده است.

بسیاری از موسوم به لیبرال‌ها، اینک ارتش را به خاطر طرفداری از آزادی‌های فردی تشویق می‌کنند، اما ساده‌لوحانه این حقیقت را نادیده می‌گیرند که یکی از اولین اقدامات ارتش، بستن تمام خبرگزاری‌هایی بود که به تشخیص آنها، که خود را عقل کل می‌پندارند، خطری برای خواست عمومی تلقی می‌شدند، شامل

خبرگزاری الجزیره که دفاترش در قاهره بسته شد، کارمندان دستگیر و تهدید شدند و وسائلش نیز مصادره گردید.

این‌ها چیز تازه‌ای نبود؛ ارتش دشمنی چند دهه میان سکولارها (که معتقدند فقط خودشان دموکراسی را می‌فهمند) و اسلام‌گرایان (که معتقدند سکولارها به دموکراسی فقط موقعی باور دارند که مسلمانان را حذف کرده و در حاشیه قرار دهند) را به سادگی تثبیت و پیچیده‌تر کرد. اشتباه مهلک مرسی در همین بود که به وظیفه‌شناسی و صداقت وزیر دفاعش «ابوالفتاح السیسی» رهبر کودتا، اعتماد کرده بود.

سکولارها به طور سنتی در خاورمیانه همواره پای صندوق‌های رأی، به دلیل آنکه از حمایت توده‌های مذهبی مردم محروم‌اند، شکست خورده و در عوض مجبور شده‌اند به نیروهای سرکوب‌گر ارتش تکیه کنند. اسلام‌گرایان از سد انتخابات به خوبی عبور کرده‌اند، اما بیشتر به لطف برتری جاذبه احساسی، به جای توانائی رقابت در اداره جامعه، و سرانجام سکولارها با قبضه کردن قدرت و کنار گذاشتن و سرکوب اسلام‌گرایان به قدرت‌شان پایان داده‌اند، نتیجه قابل پیش‌بینی چنین فرآیندی، رادیکال شدن اسلام‌گرایان و سلب اطمینان‌شان از قداست اصول دموکراسی و حقوق بشر می‌باشد.

و این همان چیزی است که محتملاً بار دیگر در مصر اتفاق خواهد افتاد. چگونه ممکن است مسلمانان مشارکت داده شوند در حالی که زندانی هستند؟ و چرا در پروسه دموکراتیزه کردن جامعه مشارکت کنند، در حالی که می‌دانند اگر در انتخابات برنده شوند، ارتش و دستگاه قضائیه بار دیگر محتملاً برای بیرون راندن آنان مداخله خواهد کرد.

مصریانی که هفته گذشته در قاهره شادمانی کردند، فراموش کرده‌اند همان پلیسی که بی‌رحمانه در سال ۲۰۱۱ به تظاهرکنندگان ضد مبارک حمله کرد و سپس ناپدید شد، اینک که موقعیت را برای بازگشت نظام گذشته مناسب می‌بیند، به سرعت به صحنه برگشته و رقابت در سرکوب وحشیانه مخالفین را به نمایش می‌گذارد.

آن شادمانی‌کنندگان مصری گویا فراموش کرده‌اند که پس از انقلاب ۲۰۱۱، ارتش از مردم مصر تشکر کرد و از آنان خواست به خانه‌های خود برگردند و اداره کشور را به حزب غیرمنتخبی بسپارند. حال این همان توده‌های شادمانی‌کننده به ارتش بهانه و عذری داده‌اند تا کودتا کند و برای سرنوشت مملکت تصمیم‌گیری نماید.

هیچ کشوری در تضعیف حکومت مرسی و مشارکت در سقوط آن بیش از عربستان تلاش نکرده است، سعودی‌ها می‌دانند تجربه دموکراسی در مصر چه خطری برای حکومت دیکتاتوری فردی آنان خواهد داشت.

دموکراسی نه برای حفاظت از حقوق موافقین، بلکه برای حفاظت از حقوق مخالف‌ترین‌ها پایه‌گذاری شده است، چیزی که بسیاری از مصریان فراموش کرده‌اند، این است که همین «تمایل توده‌ها» که امروز به پائین کشیدن و آزار و شکنجه یک حزب سیاسی منجر شده، فردا موجب شکنجه و آزار هر کسی که قدرت ارتش و دستگاه قضایه را زیر سؤال ببرد خواهد شد.

تظاهرکنندگان ضد مرسی در کاخ ریاست جمهوری پیشروی و بر بی‌طرفی ارتش تکیه می‌کنند، ارتش هم از مرسی حمایت نکرده و از نافرمانی مدنی برای پائین کشیدن او و یارانش استفاده می‌کند، اما با چنین شیوه‌ای راه طولانی و سختی در پیش داشته و در بلند مدت رویه‌ای را به جای خواهند گذاشت که به نیاز مبرم مصر به جابجائی غیر اجباری حکومت صدمه خواهد زد.

این بار ارتش با تظاهرکنندگان موافق است، اما در آینده اگر تظاهرکنندگان چیزی را طلب کنند که با منافع ارتش در تضاد باشد، با رفتار بسیار متفاوتی مواجه خواهند شد؛ اگر امروز «مردم» نامیده می‌شوند، فردا «خرابکار فاسد» لقب خواهند گرفت. یک سال بعد جوانان خوش خیالی که امروز با خلع مرسی جشن می‌گیرند و می‌رقصند، چه بسا خود را در سلول‌های مجاور اعضای اخوان المسلمین بیابند.

مترجم: ع-ب

---

\* نویسنده مقاله «خالد ابوالفضل» پروفیسور حقوق در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس و نویسنده کتاب: «سرق بزرگ، ربایش اسلام توسط افراط‌گران» می‌باشد.